

رهائی زنان بدون شرکت جدی در جنبش انقلابی امکان پذیر نیست!

بمناسبت هشت مارس

توجه به جنبش زنان بمثابة جنبشی که بیش از نیمی از جامعه بشری را با خود درگیر نموده است، همانند دیگر جنبش های اجتماعی، مستلزم درک دقیق از ماهیت طبقاتی و مطالبات واقعی آنست. مضمون و شالوده جنبش هشت مارس در حقیقت همان است که در کمون پاریس به توسط بورژوازی متحد به وحشیانه ترین شکل بخون کشیده شد. در تداوم همین مبارزات پرولتری، زنان و مردان کمونیست به این ضرورت اساسی یعنی پیگیری انقلابی برای کسب حقوق برابر زنان با مردان در تمام عرصه های اجتماعی، الغاء بی قید شرط تمام تبعیضات جنسی با این تاکید، تا زمانیکه زنان کارگر و زحمت کش در نظام سرمایه داری بدلیل جنسیت شان از محرومیت ها و استثمار مضاعف رنج می برند، و به همین نسبت برده ی تعصبات مذهب و نظام مرد سالاری هستند، جنبش طبقه کارگر و کمونیست های واقعی نمی توانند همچنان شاهد دهشتناک ترین ستم ها و تبعیض ها و رفتار های حیوانی علیه زنان که نیمی از طبقه را تشکیل می دهند، باشند. ضرورتی که، پیام جنبش هشت مارس را در سطح وسیع جهانی به گوش زنان و مردان مبارز و آگاه رساند. اما زنان نه فقط به جهت زن بودنشان، بلکه از موقعیت بردگان بی مزد نظام مزدوری نیز باید برای کسب حقوق خود در تعرض وسیع همراه با هم طبقه ای های خود یعنی مردان کارگر و آزادیخواه تا نابود کردن نظم موجود و گذار به سوسیالیسم که پایان ابدی برای تمام درد ها و رنج های حاصل از این نظام اهریمنی است، شرکت جویند.

بر کسی پوشیده نیست که دست آوردهای جنبش هشت مارس بدلیل شرکت آگاهانه در مبارزات سازمان یافته زنان و مردان کارگر و انقلابی حاصل گردیده است. چیزی که کوتاه بینان و مزدوران سرمایه تلاش می کنند چنین وانمود کنند که زنان از برکت پیشرفتهای جهان سرمایه داری به چنین حقوقی رسیده اند، همانطور که برای دست آوردهای اول ماه مه نیز چنین یاوه هائی از زبانشان جاریست. بی تردید زنان زحمت کش و کارگر که در دوران فنودالیزم در محدوده کارگاه ها و صنایع کوچک محلی و کار خانگی و کار کشاورزی و دهقانی و محدودیت های تعصبات خانوادگی و مذهب و خرافات و مردسالاری محصور بودند. در نتیجه ی انقلاب صنعتی توانستند با شرکت در امر تولید، فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و غیره، زمینه های رشد خود را با ورود به انجمن های فرهنگی و هنری و ادبی و احزاب سیاسی فراهم سازند. و از رقیت و بندگی مناسبات فنودالی، اسارت مذهب و سنت های عقب مانده ی خانوادگی و اجتماعی که همچون غل و زنجیر پیرامون شان را فرا گرفته بود، خود را آزاد سازند. اما این جابجائی فرمسیون اجتماعی بمفهوم پایان استثمار و بردگی زنان نیست. اگر زن دهقان تا دیروز مجبور بود، گاو خود را بدوشد و یا در ملک ارباب جان کند تا هم نان خود را تهیه کند و هم بهره مالکانه بپردازد، امروز گاوی برای خود ندارد که آن را بدوشد، مجبور است گاو سرمایه دار را بدوشد، صبح تا شب استثمار شود، هم ارزش اضافه برای سرمایه دار تولید کند، هم مالیات به دولت سرمایه بپردازد و هم پول قصابی که برای سگان مذهبی استخوان تهیه می کند. و آن ناچیز مزدی که باید تا سر ماه سر کند و کار خانگی بی مزد که اسارت و بردگی اش را تا تحقیر بی پایان بر گردن اش آویزان نموده است. حال با دقت به وضعیت و موقعیت زنان بر اساس واقعیت های موجود

اگر تغییرات اساسی در شرایط حقوق زنان نسبت به گذشته بوجود آمده است باید بطور عینی این تغییرات را مشاهده کرد.

آنچه که بین فرماسیون فئودالیزم و سرمایه داری ظاهراً متفاوت نشان می دهد، تضادهای پنهان در این نظام و شیوه استثمار است. ماهیت استثمار نه تنها عوض نشده است بلکه به دلیل خصوصیات ذاتی آن بیش از گذشته شدید و عریانتر نیز گشته است. این ساده لوحانه است کسی از روی روبنای سیاسی به ماهیت و پلیدی های نهفته در نظام سرمایه داری آگاهی یابد. کسانی که از روی ناآگاهی و سطحی نگری فریب این نظام متعفن را خورده اند، باید از خود سوال کنند: آیا صرف کسب مدارج عالی و یا شرکت در مراکز اداری - سیاسی، یا کسب حق طلاق و حضانت فرزند و غیره، توانسته است زنان را همتراز با مردان قرار دهد. و آنان را از یوغ بردگی مدرن نجات دهد؟ کسانی که مفتون دمکراسی بورژوازی گشته اند، آیا هرگز از خود پرسیده اند، این اختاپوس که روزی نیست در گوشه ای از جهان، جنگی را تحمل نکند، کودکان و زنان بیگانه را با عنوان بمب ها و سلاح ها به خاکستر تبدیل نسازد، بردگان مزدی را به حیوانی ترین شکل استثمار نکند، چگونه می خواهد به بشریت آزادی و دمکراسی اعطاء کند. در حالیکه خود به جنگ بشریت رفته است؟ مذهب و پلیس دو نیروی سرکوب این نظام بجرم هزاران سنگسار و هزاران اعدام و کشتارهای ارتكابی، در کدام دادگاههای این نظام وحشی، مدعی دمکراسی به محاکمه کشیده شده اند، تا آن زن جوانی که بخاطر لقمه نان شب فرزندان اش شرافت خود را بحراج گذاشته است، یا آن پیر زنی که تنها ارث اش از این نظام متعفن، کلبه ی بی سقف در حاشیه شهر است، به یاره های مدافعان این نظام باور کنند!

امروز در سراسر جهان زنان و مردان آزادیخواه هر یک بزبانی، هشت مارس را بیاس مبارزات و جانفشانی های همزمان خود جشن می گیرند. این جشن و سرور در حقیقت تجدید پیمان با آرمانهای انقلابی پایه گذاران این جنبش نیز هست. مبارزه ای که قتل و کشتار و زندان و شکنجه و تبعید، کوچکترین خللی بر اراده ی آشتی ناپذیر ادامه دهندگان پرشور و انقلابی آن نتوانسته است وارد سازد. کوشندگان این جنبش در این نشست ها و گردهمائی ها فرصتی فراهم می سازند تا ظلم ها و ستم ها و تبعیضهای غیر انسانی را که زیر بیرق سرمایه داری و مذهب و سنت های مردسالارانه بر زنان کارگر و زحمتکش تحمیل می شود را بیان دارند. بدینوسیله تجربیات و دانش مبارزاتی خود را در هر چه مستحکم تر کردن این نبرد طبقاتی - جنسیتی منتقل، تا برنامه های مدون مبارزه ی مشترک را با اتکا به تجارب انقلابی جنبش پرولتری و زنان و بر مبنای آموزه های جهان بینی علمی پی ریزی نمایند. اما در این میان سرکوبگران و جانیان نظام سرمایه نیز که خود قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را پایه ریزی کرده اند و چوبه های دار و صف های تیرباران برای آزادیخواهان سازمان داده اند، بیشرمانه این روز را جشن می گیرند. همان کسانی کمون پاریس و اعتراض زنان کارگر شیکاگو را بخون کشیدند. و در استالینگراد ظرف دو ماه بیش از دومیلیون پانصد هزار زن و کودک را وحشیانه کشتار کردند. سگان ولگردی که روزی کسب رای زنان را نه همزمان با مردان، بلکه بعنوان جنس دوم به آینده موکول میکردند. امروز نیز از پرداخت حقوق برابر به زنان در برابر کار مساوی با مردان خودداری می کنند. ریاکارانه مدعی مبارزه علیه قاچاق کودکان و زنان و تجاوز و فحشاء هستند. اما کلوپ های شبانه و فاحشه خانه های زنجیره ای در سراسر جهان برپا کرده اند. با بیکار کردن میلیونها زن در سراسر جهان، لشگر بردگان جنسی سازمان داده اند. زنان رنگین پوستی که تا دیروز به وقیحانه ترین شکل مورد تحقیر و تنفرشان بود، امروز ابزار تبلیغات کالاهایشان شده است. سقط جنین را یکروز قانونی می کنند و روز دیگر سگان ولگرد مذهبی را که از دستمزد ناچیز همان زن کارگر ارتزاق می کنند، بر علیه سقط جنین می آشوبد. سرمایه های حاصل از این تجارت های کثیف کارخانه های اسلحه سازی را تقویت می کنند

تا وقفه ای در تامین سلاح های کشتار در هجوم هائی که بر علیه ملت های عقب نگه داشته شده برای غارت و چپاول منابع و ثروت های آنان می کنند، بوجود نیاید.

حال با این توضیحات، در می یابیم که ریشه و اساس نابرابری و ستم و استثمار در رابطه با زنان صرفاً محدود به فرهنگ نظام مرد سالاری، مذهب و خصوصیات عقب مانده ی سنتی که خود تجلی جامعه طبقاتی است، نمی باشد. بلکه تضادهای طبقاتی و مناسبات آن اساس و شالوده ی این پلیدی ها و ناهنجاری هاست. توضیح این مسئله از آنجا ناشی می شود که امروز عده ای با آگاهی و شناخت، از آنجا که در خدمت نظام سرمایه هستند، برای توجیه نظام برده داری تلاش می کنند به زنان ساده دل چنین القا کنند که تنها رویکردهای مذهبی و فرهنگ مرد سالاری است که به خشنونت و بی حقوقی زنان دامن زده است. یعنی بجای پرداختن به علت، به معلول می پردازند. اگر چنین است، پس چگونه است این همه پلیدی بر زنان را در کشورهای غارتگر جهان سرمایه داری کماکان شاهد هستیم. پرواضح است مذهب و مرد سالاری و قید و بند های خرافی و عرفانی نقش غیر قابل انکار در تشدید این ستم ها دارند. اما سوال اینجاست: آیا روبنا می تواند، بدون ارتباط با زیربنا شکل قانونمند و سازمان یافته بخود بگیرد؟ با دقت به عملکرد سرمایه در هر فرامسیون اجتماعی آنچه که در رابطه با ستم بر زنان مشهود است، ثابت می کند اولاً روبنا انعکاسی از ماهیت و واقعیت زیربناست، در ثانی با تغییر روبنا ستم از بین نمی رود، بلکه ممکن است بظاهر چهره نرم داشته باشد، اما پلیدی همچنان در درون آن موجود است. مسئله ای که از دیر باز حل شده است و لازم به تکرار مجدد نیست. مثال ساده می تواند ذهن آندسته از افراد را که نیروی خود را صرف آرایش چهره این نظام جهانی می کنند، روشن سازد. امروز در اکثر کشورهای سرمایه داری مقوله اعدام لغو شده است، البته در شرایط مفروض. ولی در همین کشورها وقتی مردم دست به اعتراض می زنند، (باید تاکید کنم اعتراض مردم همواره بحق است.) بلافاصله همین حکومتها ماشین سرکوب خود را روانه ی خیابان می کنند تا همین اعتراض بحق مردم را خفه کنند. و چه کشتار هائی که راه نمی اندازند. حال آیا لغو مقوله اعدام در نظام سرمایه داری به معنای پایان سرکوب و کشتار و دمکراتیزه شدن حکومت است؟! جواب به این سؤال با اتکا به جهان بینی علمی می تواند حقیقت و منشاء درونی ستم بر زنان را که یکی از اشکال سازمان یافته ی ستم ها در نظام سرمایه داری است، روشن سازد. درک این مسئله می تواند توده های کار و زحمت، خصوصاً زنان کارگر و زحمت کش را از گرفتار شدن در دام فریبکاریهای بورژوازی و حامیان آن حفظ نماید.

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

پرتوان باد مبارزات زنان و مردان کارگر و زحمت کش بر علیه استثمار جنسی - طبقاتی

ششم مارس ۲۰۱۴ برابر با ۱۵ اسفند ۱۳۹۲

روزبه کوراغلی